

بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانها در سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵*

حسین محمودیان**

چکیده

این مقاله با استفاده از داده‌های سرشماری سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ ارتباط بین برخی از عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی و مشارکت زنان در نیروی کار را به تفکیک استانها بررسی می‌کند. میزان مشارکت زنان در نیروی کار در ایران در فاصله سالهای ۷۵-۵۵ کاهش یافته است اما طی سالهای ۷۵-۶۵ روند صعودی داشته است. از نظر استانی، بالاترین میزانهای فعالیت به استانهای گیلان، یزد و چهارمحال و بختیاری و پایین‌ترین میزانهای فعالیت به استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان تعلق داشته‌اند. نتایج فوق تقریباً در تمامی سرشماریها با اندکی تفاوت وجود داشته است. کاهش شدید مشارکت در گروههای سنی ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ به تغییر در الگوی سنی مشارکت منجر شده است. بالا بودن میزان فعالیت زنان تقریباً با کاهش میزان تحصیلات، کاهش باروری، افزایش سن ازدواج و افزایش نسبت شاغلین در بخش صنعت همراه بوده است. اما میزان این تغییرات در استانهای کشور متفاوت است. به نظر می‌رسد افزایش میزان تحصیلات زنان، تغییر اهمیت بخشهای اقتصادی و تغییر وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور در دوره مورد بررسی، نقش عمده‌ای را در تحولات مشارکت زنان در نیروی کار موجب شده است.

واژگان کلیدی: زنان، مشارکت در نیروی کار، تحصیلات، بخش فعالیت، باروری، ازدواج، استانها.

*. این مقاله منسوخ از "مشارکت زنان در نیروی کار و عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر آن در استانها در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۶۵"

می‌باشد که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

hmahmoud@chamran.ut.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران /

مقدمه

زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین مشارکت عمومی آنها در جامعه بسیار با اهمیت و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در بعد اقتصادی، که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، نقش زنان در تولید اقتصادی حائز اهمیت است. اینکه زنان تا چه اندازه در تولید اقتصادی مشارکت دارند، موضوع بحث فراوانی بوده است. مثلاً کار زنان در خانه به عنوان مشارکت اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود، هر چند نقش کار زنان در خانه در تولید اقتصادی نمی‌تواند قابل اغماض باشد. در بعضی از جوامع همکاری زنان در کار کشاورزی کاری اقتصادی محسوب نمی‌شود (وار ۱۹۸۱). بنابراین، دستیابی به یک تعریف واحد از میزان مشارکت اقتصادی زنان، مشکل است. با وجود این، با توجه به بهبودهای نسبی در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مرتبط با مشارکت اقتصادی افراد در جوامع و هماهنگی بیشتر مراکز جمع‌آوری‌کننده اطلاعات آماری، امکان دستیابی به تعریف عمومی از مشارکت اقتصادی زنان، هم در بین زیر بخشهای جامعه و هم بین جوامع مختلف، بیش از پیش مهیا شده است.

میزان فعالیت* زنان ۱۰ سال به بالا در ایران، از ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت. با توجه به اینکه میزان فعالیت زنان در ایران نسبت به کشورهای دیگر، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، پایین‌تر است؛ کاهش فوق‌الذکر قابل توجه است. بر اساس اطلاعات سازمان جهانی کار^۱، از هشت کشور در حال توسعه (مصر، هلند، اندونزی، کره جنوبی، پاکستان، تونس، ترکیه و ایران)، ایران بعد از پاکستان کمترین میزان مشارکت زنان را به خود اختصاص داده است (احمدنیا ۱۳۸۰). در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، میزان مشارکت زنان در ایران بسیار پایین بوده است. به عنوان مثال، میزان مشارکت زنان در سوئد (۴۹ درصد) پنج برابر بیشتر از میزان مشابه در ایران بوده است (احمدنیا ۱۳۸۰: ۷۳).

پایین بودن میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در ایران تابع عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده و تبعات گوناگونی داشته است. از نظر اقتصادی این میزان نسبت وابستگی و بار اقتصادی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، کمیت و کیفیت نیروی

*. میزان فعالیت محاسبه شده، نسبت فعالان اقتصادی (شاغلان و بیکاران در جستجوی کار) ده ساله و بیشتر به کل جمعیت ده سال و بیشتر می‌باشد.

انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و فشار مضاعف بر نیروی انسانی فعال از میزان بازدهی آن خواهد کاست. این تحقیق بر آن است تا با استفاده از داده‌های سرشماری سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، سطح و روند مشارکت اقتصادی زنان در دوره ۷۵-۵۵ را شناسایی و دگرگونیهای موجود را بر اساس عوامل مهم اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی تبیین کند.

مبانی نظری

مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی می‌تواند از عوامل مختلفی تأثیر بپذیرد. عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی عواملی هستند که برای تبیین تحولات میزان مشارکت زنان در نیروی کار مورد استفاده واقع شده‌اند. از میان عوامل اقتصادی، سطح توسعه اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. توسعه اقتصادی در اینجا به معنای گذر از نظامهای اقتصادی سنتی (عمدتاً کشاورزی) به نظامهای مدرن (تجاری و صنعتی) است. اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند که توسعه اقتصادی از طریق گسترش بازار، ایجاد فرصتهای شغلی و افزایش دسترسی بهتر به آموزش می‌تواند موقعیت زنان را در بازار کار بهبود بخشد. این دیدگاه را می‌توان با این نظر که فرآیند توسعه، نابرابری اجتماعی را کاهش می‌دهد مرتبط دانست. در این منظر اعتماد به عملکرد افراد به عنوان مبانی تخصیص منابع و تقسیم کار افزایش یافته و در نتیجه موقعیت زنان نیز در بازار کار بهبود می‌یابد (افشاری و شیبانی ۱۳۸۰).

اما رابطه فوق می‌تواند در بعضی مواقع صادق نباشد. رابطه مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی و اجتماعی ممکن است به صورت بالا- پایین- بالا (U شکل) باشد (وارا ۱۹۸۱). چراکه در مراحل اولیه توسعه به علت اینکه کار در بخش کشاورزی کم می‌شود، زنان بیکار می‌شوند. در بررسی تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی، رجبی (۱۳۷۴) نشان داده است که ورود تکنولوژی به مناطق روستایی باعث بیکاری و کم‌کاری زنان روستایی شده است. در اقتصاد آزاد، در مرحله صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی، در فعالیت اقتصادی زنان و مردان افتراق ایجاد می‌شود. این امر موجب می‌شود که مشاغل به درجه اول و درجه دوم تقسیم و شانس مردان برای دستیابی به شغل نسبت به زنان بیشتر شود. از آنجا که زنان آموزش کمتری دیده‌اند، این دوگانگی جنسیتی تشدید و سهم زنان در بازار کار کمتر می‌شود (امین‌زاده ۱۳۵۸).

به نظر می‌رسد تشدید نابرابری جنسیتی (به ویژه در بازار کار) در کشورهای کمتر توسعه یافته بیشتر باشد، چرا که در این کشورها نابرابری جنسیتی در توسعه بیشتر از مناطق دیگر است (آقاجانیان^۱ ۱۹۹۲).

در مرحله نهایی توسعه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت زنان در نیروی کار مجدداً افزایش می‌یابد. این افزایش مشارکت تا اندازه‌ای به علت افزایش میزان تحصیلات زنان است. تحصیلات می‌تواند زنان را برای حضور در بازار کار مهیا سازد. از طرف دیگر، در این مرحله، به علت توسعه بخش خدمات، تقاضا برای اشتغال زنان افزایش می‌یابد (وار ۱۹۸۱). از آنجا که مشارکت در نیروی کار زنان می‌تواند از عوامل دیگر (مثلاً ساختار خانواده) تأثیر پذیرد، ممکن است توسعه اقتصادی تنها شانس مساوی در برخورداری از آموزش را فراهم کند و هیچ اثری در کاهش نابرابری جنسیتی در بازار کار نداشته باشد (افشاری و شبیانی ۱۳۸۰).

تحصیلات به عنوان یک عامل اجتماعی مهم، نقش عمده‌ای در میزان مشارکت زنان در نیروی کار دارد. به نظر می‌رسد که با افزایش تحصیلات، میزان مشارکت زنان در نیروی کار افزایش می‌یابد. اما عامل تحصیلات همیشه اثر خود را در ارتباط با عوامل دیگر نشان می‌دهد. چگونگی رابطه بین تحصیلات و مشارکت زنان تا حدودی به امکانات اشتغال بستگی دارد. در گذشته زنان بی‌سواد مشارکت بیشتری در نیروی کار داشتند، اما در حال حاضر عکس این حالت صادق است (امین زاده ۱۳۵۸). گاهی تحصیلات بالاتر موجب عدم مشارکت می‌شود، چرا که مثلاً زنان تحصیل کرده با مردان تحصیل کرده ازدواج می‌کنند و از نظر مالی مشکل ندارند. بنابراین در اینجا میل به کار عامل مهمی است. بیکاری زنان تحصیل کرده نیز بیشتر از بیکاری مردان تحصیل کرده است (توسلی ۱۳۷۵). گسترش تحصیلات با انتظارات افراد نیز رابطه دارد. بنابراین با افزایش توقعات و انتظارات امکان دست یابی به کار کم می‌شود.

قوانین رسمی و قواعد اجتماعی مرتبط با حقوق و وظایف اجتماعی و فردی زنان، نیز بر میزان مشارکت اقتصادی آنها اثر می‌گذارد. در این مورد اگر حقوق زنان در قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست‌های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در به کارگیری زنان در مشاغل مهیا می‌شوند. مهرانگیز کار در بررسی خود در مورد حضور زنان در بازار کار ایران (۱۳۷۹) اظهار داشته است که عدم گرایش زنان به بخش خصوصی (برای اشتغال) تا

حدودی به علت عدم وجود امکانات جنبی نظیر مهد کودک بوده است (کار ۱۳۷۹:۲۴۲). تبعیض در انتخاب کارکنان بر اساس جنس، اگر به نفع مردان باشد، موجب کاهش مشارکت زنان می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از علل پایین بودن میزان مشارکت زنان در نیروی کار در ایران، ترجیح در انتخاب کارکنان مرد از سوی کارفرمایان باشد (سفیری ۱۳۷۷).

نقش قوانین حمایت کننده اشتغال زنان در آماده سازی محیط مناسب برای کار زنان مهم است. آماده کردن این محیط مناسب در جایی که بازار دو گانه کار (بر حسب جنس) وجود داشته و کار کردن زنان و مردان در یک مکان مشترک از نظر اجتماعی و فرهنگی دارای مشروعیت لازم نیست، از اهمیت خاصی برخوردار است. در بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان مدارس حرفه‌ای دختران در شهر تهران، سخاوت (۱۳۸۰) نشان داده است دلیل ترک کار کوتاه مدت برای ۳۷ درصد از دختران، نامطلوب بودن محیط کار بوده است. این محیط نامناسب می‌تواند در قالب عواملی نظیر مزاحمت‌های جنسی و کم بودن وسایل رفت و آمد برای زنان (کار ۱۳۷۹) جلوه‌گر شود.

حقوق زنان در قبال مالکیت اموال و داراییها نیز می‌تواند بر میزان مشارکت آنها تأثیر داشته باشد. به نظر می‌رسد هرچه میزان بهره‌مندی زنان از حق مالکیت بیشتر باشد، سهم آنها در فعالیتهای اقتصادی نیز بالاتر خواهد بود. چنین بهره‌مندی زنان را قادر می‌سازد تا نسبت به تأسیس شرکتها و مؤسسات تولیدی و اقتصادی توانایی بیشتری داشته باشند. مهرانگیزی کار در بررسی نقش زنان در برابر کار ایران، اظهار داشته است فقدان زمین و سرمایه از علل پایین بودن سهم زنان در تشکلهای تعاونی روستایی است (کار ۱۳۷۹:۲۶۱).

مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، تابع نگرشها و تحولات فرهنگی است. احمدنیا (۱۳۸۰) در بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان به اولویت دادن به نقشهای سنتی در مقابل نقش جدید شغلی زنان در جامعه و فرهنگ ایرانی و به ویژه اهمیت آن از دیدگاه زنان، وجود نگرش منفی مردان نسبت به نقش شغلی زنان، ابراز ناخرسندی شوهران نسبت به کار کردن زنان، شرایط نابرابر شغلی و درآمدی زنان و مردان در بازار کار و احساس تعارض نقش در مورد مادران شاغل اشاره کرده است. چنگیزی در بررسی تحولات اشتغال زنان در فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ یکی از علل کاهش نسبت فعالیت زنان در دوره مورد نظر را وقوع انقلاب اسلامی و منفی تر شدن گرایش عمومی جامعه نسبت به فعالیت شغلی زنان ذکر کرده است (چنگیزی ۱۳۷۴). وی حذف پست منشیگری زنان را به عنوان عاملی که، ناشی از وقوع انقلاب اسلامی، بر کاهش میزان مشارکت

زنان تأثیر گذاشته مورد اشاره قرار داده است.

از آنجا که یکی از وظایف زنان در جوامع مختلف به دنیا آوردن و تربیت فرزندان است، نقش عوامل جمعیتی در شرکت زنان در نیروی کار اهمیت فراوانی دارد. سن ازدواج زودتر و باروری بالاتر می‌تواند با مشارکت کمتر زنان در نیروی کار مرتبط باشد، اما این همبستگی می‌تواند با توجه به شرایط مختلف اقتصادی و اجتماعی (سطوح توسعه) به اشکال متفاوتی نمایان شود.

تأثیر فرزندآوری بر کار زنان می‌تواند دارای ابعاد مختلفی باشد. اولاً، می‌تواند مانع کار کردن زنان شود. این در حالتی است که فرزندآوری و تربیت فرزندان آن چنان زنان را مشغول می‌کند که آنان از پرداختن به کارهای دیگر باز می‌مانند. ثانیاً، ممکن است هنگامی که مراقبتی برای یک نوزاد لازم باشد، مشارکت در نیروی کار را دچار وقفه کند. در چنین وضعیتی بعد از سپری شدن دوران اولیه زندگی نوزاد و کمتر شدن حجم کارهای مراقبتی، مادران می‌توانند کار بیرون از خانه خود را دوباره شروع کنند. ثالثاً فرزندآوری و تربیت فرزندان بر کمیت و کیفیت نیروی کار زنان تأثیر می‌گذارد، مثلاً با کاهش ساعات حجم کار زنان (بر اثر وظایف فرزندآوری و تربیت فرزندان)، قابلیت تولید آنها کاهش می‌یابد. رابعاً، تجدید مثل ممکن است نوع کار زنان را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین وضعیتی وجود فرزندان موجب می‌شود تا زنان به سمت مشاغلی که بیشتر با وظیفه فرزندآوری و تربیت فرزندان ارتباط دارند، تمایل پیدا کنند.

رابطه بین فرزندآوری (باروری) زنان و مشارکت آنها در نیروی کار غالباً دو طرفه است. از یک طرف این فعالیتهای شغلی زنان است که میزان باروری و فاصله گذاری بین فرزندان را تعیین می‌کنند. زنان شاغل ممکن است برای اینکه شغل خود را از دست ندهند، دیرتر ازدواج کنند و یا اینکه برای به حداقل رساندن اثر وقفه باروری بر فعالیتهای شغلی، فاصله تولد فرزندان خود را بیشتر کنند. از طرف دیگر باروری کمتر موجب آن می‌شود تا زنان برای فعالیتهای خارج از خانه زمان بیشتری داشته و جذب بازارهای شغلی بیرون از خانه شوند. در بررسی تأثیرات اشتغال زنان کارگر بر میزان باروری آنان (جارالهی ۱۳۷۴) تأثیر منفی اشتغال بر باروری نشان داده شده است. چگونگی تأثیر متقابل فعالیتهای مرتبط با تجدید نسل زنان و مشارکت آنها در نیروی کار می‌تواند از طریق عوامل دیگر تغییر یابد. بررسی رابطه بین کار زنان و بعد خانواده در تایلند (پادیسیتا^۱ و همکاران ۱۹۹۰) نشان داد تجدید نسل، زنان روستایی را (عمدتاً در بخش

کشاورزی) از کار کردن باز نمی‌دارد، اما فعالیتهای اقتصادی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اشتغال زنان می‌تواند میزان دسترسی نسبی زنان را به ثروت و منابع ارزشمند اجتماعی افزایش دهد و در نتیجه افزایش اقتدار نسبی آنها در داخل و خارج از خانه و افزایش قدرت سیاسی و اعتبار نسبی آنان در اجتماع را فراهم سازد. افزایش اقتدار در خانه به نوبه خود قدرت تصمیم‌گیری زنان را افزایش می‌دهد. قاعده‌مند شدن هر چه بیشتر رفتار باروری می‌تواند از نتایج این قدرت تصمیم‌گیری باشد. تأثیر مثبت مشارکت در نیروی کار زنان بر میزان اقتدار نسبی آنها در بررسی تنظیم خانواده، کار و اقتدار اجتماعی و اقتصادی زنان در اندونزی نشان داده شده است (হারدی^۱ و همکاران ۱۹۹۹).

میزان فعالیت

جداول ۱، ۲، ۳ میزان فعالیت زنان ده ساله و بیشتر به تفکیک سن و استان محل سکونت و الگوی سنی فعالیت در سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، در سال ۵۵، در کل کشور میزان فعالیت زنان در حدود ۱۵ درصد بوده است. استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان دارای کمترین میزان فعالیت و استانهای گیلان، یزد و چهارمحال و بختیاری از بیشترین میزان برخوردار بوده‌اند. از نظر ساختار سنی فعالیت در کل، میزان فعالیت تا گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله در حال افزایش و بعد از آن کاهش می‌یابد. بیشترین میزان فعالیت نیز برای گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله بوده است. موارد استثنایی نیز وجود داشته است، مثلاً در استان گیلان بیشترین فعالیت در گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله بوده است. در استانهای اصفهان، یزد، خراسان، کرمان و چهارمحال و بختیاری حداکثر میزان فعالیت برای گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله بوده است. در استان مرکزی بیشترین میزان فعالیت برای زنان ۱۴-۱۰ ساله ثبت شده است. در کل، میزان فعالیت در گروههای سنی جوان‌تر، تقریباً از ۱۴-۱۰ سالگی، از بقیه گروههای سنی بیشتر بوده است.

ارقام مربوط به میزان فعالیت زنان ده ساله و بیشتر در سال ۶۵ (جدول ۲) نشان می‌دهند استانهای گیلان، یزد، کرمان، مازندران و خراسان دارای بیشترین میزان فعالیت و استانهای کردستان، ایلام، مرکزی، هرمزگان و بوشهر (به ترتیب) دارای کمترین میزان فعالیت بودند.

تقسیم‌بندی استانها از نظر بیشترین و کمترین میزان فعالیت تا حدودی با نتایج مربوط به سال ۵۵ مطابقت دارد.* میزان فعالیت زنان در کل کشور حدود ۹ درصد بوده است. در مقایسه میزان فعالیت استانها با میزان کلی، میزان فعالیت در هفت استان بیشتر از میانگین کشوری، در یک استان هم اندازه آن و در بقیه استانها کمتر از آن بوده است. میزان فعالیت زنان در کل کشور در سال ۶۵ در مقایسه با سال ۵۵ از ۱۵ درصد به ۹ درصد کاهش یافته بود. این کاهش برای اکثر استانها صادق است. تنها در استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، سمنان، بوشهر و سیستان و بلوچستان میزان فعالیت در بین دو سرشماری افزایش یافته بود. همان طور که مشاهده می‌شود، افزایش تنها در استانهایی بوده است که در مقایسه با سایر استانها از میزانهای فعالیت پایین‌تر برخوردار بودند. بیشترین کاهشها برای استانهای چهارمحال و بختیاری، کردستان، زنجان و همدان و کمترین کاهش متعلق به استانهای کرمان، فارس، کرمانشاه و گیلان ثبت شده است.

از نظر میزانهای فعالیت به تفکیک سن، در سال ۶۵ نیز همانند سال ۵۵، بیشترین میزان فعالیت برای گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله بوده است. برای بعضی از استانها مثل سمنان و خوزستان بیشترین میزان فعالیت برای گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله ثبت شده است. مورد استثنایی در این زمینه استان گیلان است که در آن بیشترین میزان فعالیت برای افراد ۴۹-۴۵ ساله ثبت شده است. در کل کشور میزان فعالیت زنان در مقایسه با سال ۵۵، در کلیه سنین کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد. بیشترین کاهشها برای جوان‌ترین گروهها سنی (۱۴-۱۰ و ۱۹-۱۵ ساله) و کمترین کاهشها برای افراد ۳۹-۲۵ ساله بوده است. بنابراین هر چند کاهش کلی میزان فعالیت در تمامی گروههای سنی، میزان فعالیت زنان در سال ۶۵ را کمتر کرده است، افزایش سن ورود به کار افراد جوان‌تر تأثیر بیشتری را نشان داده است. این می‌تواند تا حد زیادی ناشی از افزایش پوشش تحصیلی و ارتقاء میزان تحصیلات افراد باشد. نسبت فعالان ۱۴-۱۰ ساله در سال ۶۵، ۴۷ درصد بوده است. در حالی که همین نسبت در سال ۵۵، رقم ۷۴ درصد را نشان می‌دهد. بیشترین کاهش در میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ ساله در بین سالهای ۵۵، ۶۵ برای استانهای چهارمحال و بختیاری، کردستان، زنجان و همدان بوده است. همان طور که مشاهده می‌شود کاهش بیشتر در میزانهای فوق بیشتر برای استانهایی بوده است که در مقایسه با سایرین از میزان فعالیت پایین‌تر برخوردار بودند. استانهای بوشهر، گیلان، فارس و سیستان و بلوچستان کمترین کاهش را در

*. به علت تقسیم جغرافیایی استان مرکزی به دو استان تهران و مرکزی در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۵، داده‌های مربوط به استان مرکزی در دو

میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ ساله در فاصله سالهای ۵۵ و ۶۵ تجربه کردند. به جز استان گیلان که دارای بالاترین میزان مشارکت در نیروی کار زنان در سال ۶۵ بود، بقیه استانهای این گروه نیز در زمره استانهای دارای میزان فعالیت کم قرار می‌گیرند.

کاهش کلی میزان فعالیت در فاصله دو سرشماری ۵۵ و ۶۵ می‌تواند از عوامل مختلفی تأثیر پذیرفته باشد. یکی از این علل کاهش میزان فعالیت در گروههای سنی جوان‌تر (به خصوص فاصله سنی ۱۹-۱۰) ناشی از افزایش سن ورود به کار می‌باشد. به علت عمومیت کاهش فوق‌الذکر، تغییرات اقتصادی و اجتماعی کشور در فاصله دو سرشماری از اهمیت وافر برخوردار می‌شوند. وقوع انقلاب اسلامی و به تبع آن تغییر در نگرش عمومی نسبت به کار زنان و همچنین تغییر در شرایط اقتصادی جامعه نظیر تعطیلی بعضی از فعالیتهای تولیدی و وقوع جنگ ایران و عراق می‌توانند تا اندازه زیادی عوامل توجیهی را برای کاهش فوق فراهم سازند. علاوه بر آن، تحول اقتصاد جامع یعنی گذر از اقتصادی سنتی و کشاورزی به اقتصاد صنعتی نیز در این تغییرات دخیل بوده است.

جدول ۳ میزان فعالیت زنان ده ساله و بیشتر را به تفکیک سن و استان محل سکونت در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، میزان استاندارد شده فعالیت زنان در کل کشور حدود ۱۱ درصد است. این میزان در مقایسه با سال ۱۳۶۵، یک افزایش ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد، هر چند از میزان فعالیت در سال ۵۵ کمتر است. در مقایسه استانی، استانهای یزد، گیلان، چهارمحال و بختیاری و خراسان دارای بیشترین میزان فعالیت و استانهای سیستان و بلوچستان، لرستان، سمنان، بوشهر، خوزستان و هرمزگان دارای کمترین میزان فعالیت بودند.

از نظر استانهای با میزان فعالیت بالا و استانهای دارای میزان فعالیت پایین، شباهت نسبتاً بالایی در هر سه سرشماری وجود دارد. میزان فعالیت زنان در سال ۷۵، در ده استان بیشتر از میانگین کشور و در بقیه استانها کمتر از میانگین کشور بوده است. میزان فعالیت در استان یزد تقریباً دو برابر فوق در کل کشور است در حالی که میزان فعالیت زنان در استان سیستان و بلوچستان در حدود ۴۶ درصد از میزان فعالیت کل کشور کمتر است. در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ میزان فعالیت در اکثر استانهای کشور افزایش یافته است. تنها در استانهای کرمان، گیلان، سیستان و بلوچستان و تهران میزان فعالیت در دوره ۷۵-۶۵ کاهش یافته است. بیشترین افزایش برای استانهای چهارمحال و بختیاری، مرکزی و ایلام، به ترتیب، ثبت شده است. در استانهای مازندران، خوزستان، لرستان، سمنان و بوشهر افزایشها چندان قابل توجه نبودند. به جز استان مازندران افزایش ناچیز بیشتر مربوط به استانهایی بوده است که دارای میزان فعالیت کم بودند.

جدول شماره ۱: میزان فعالیت زنان ۱۰ ساله به بالا به تفکیک سن و استان محل سکونت، ۱۳۵۵

سن	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اصفهان	ایلام	بوشهر چهارمحال و بختیاری	خراسان	خوزستان	لرستان	مرکزی	هرمزگان	همدان	یزد	کل کشور
۱۰-۱۴	۹/۸	۱۵/۷	۲۰/۸	۱/۲	۱/۷	۲۴/۳	۲۱/۸	۲۳/۴	۱۳/۴	۱۳/۱۰	۱۰/۸	۳۹/۰	۱۷/۷
۱۵-۱۹	۱۰/۷	۲۵/۷	۲۵/۷	۱/۳	۳/۰	۳۴/۰	۳۳/۴	۳۳/۴	۲۵/۶	۲/۲	۱۷/۱	۵۰/۲	۱۷/۲
۲۰-۲۴	۱۱/۶	۳۰/۸	۳۲/۹	۳/۳	۵/۴	۳۶/۶	۱۸/۰	۳۶/۶	۲۶/۶	۴/۹	۱۹/۰	۳۸/۴	۱۸/۴
۲۵-۲۹	۹/۸	۱۸/۵	۱۹/۳	۲/۴	۴/۵	۲۹/۳	۱۴/۴	۳۶/۹	۲۳/۹	۴/۱	۱۸/۱	۲۸/۶	۱۶/۳
۳۰-۳۴	۸/۶	۱۷/۱	۱۵/۳	۱/۲	۱/۶	۲۵/۷	۱۱/۹	۳۳/۰	۲۳/۰	۲/۲	۱۳/۹	۲۲/۵	۱۴/۲
۳۵-۳۹	۶/۰	۱۵/۹	۱۲/۳	۰/۸	۱/۲	۲۵/۸	۱۰/۴	۳۳/۰	۳۳/۰	۲/۱	۱۲/۳	۱۹/۲	۱۱/۸
۴۰-۴۴	۴۰-۴۴	۱۰/۰	۱۰/۰	۰/۸	۱/۲	۲۲/۰	۹/۹	۳۲/۴	۲۲/۴	۲/۳	۱۰/۵	۱۸/۲	۱۱/۰
۴۵-۴۹	۴۰-۴۴	۱۴/۳	۸/۸	۰/۵	۱/۱	۱۹/۸	۹/۸	۳۲/۴	۲۲/۴	۱/۸	۸/۸	۱۶/۶	۹/۵
۵۰-۵۴	۴/۸	۱۲/۶	۷/۴	۰/۶	۱/۴	۱۴/۴	۷/۰	۳۲/۴	۲۶/۶	۱/۵	۵/۹	۴/۷	۶/۳
۵۵-۵۹	۳/۹	۱۰/۷	۶/۴	۰/۷	۱/۳	۹/۶	۹/۲	۳۱/۰	۲۱/۰	۵/۱	۵/۱	۳/۹	۴/۸
۶۰-۶۴	۲/۶	۷/۸	۵/۳	۰/۳	۱/۲	۶/۱	۹/۲	۳۱/۰	۲۱/۰	۳/۰	۳/۱	۴/۴	۳/۱
۶۵-۶۹	۸/۴	۴/۷	۱۶/۷	۰/۵	۱/۰	۳/۵	۷/۲	۲۴/۹	۱۵/۵	۱۲/۹	۷/۴	۵/۱	۴/۳
جمع	۹/۶	۱۷/۳	۱۹/۳	۱/۸	۳/۵	۲۸/۷	۱۶/۵	۳۲/۹	۲۴/۹	۱۵/۶	۹/۳	۵/۸	۱۱/۳

سن	کردستان	کرمان	کرمانشاه	کهگیلویه و بویراحمد	گیلان	لرستان	مازندران	مرکزی	هرمزگان	همدان	یزد	کل کشور
۱۰-۱۴	۱۷/۳	۱۴/۸	۳/۷	۲/۷	۱۴/۱	۴/۲	۱۳/۴	۱۳/۱۰	۱/۳	۱۰/۸	۳۹/۰	۱۷/۷
۱۵-۱۹	۲۱/۸	۲۲/۴	۷/۴	۲/۸	۲۵/۸	۵/۲	۲۵/۶	۲۵/۶	۲/۲	۱۷/۱	۵۰/۲	۱۷/۲
۲۰-۲۴	۲۳/۲	۱۷/۷	۱۱/۸	۴/۵	۳۷/۵	۷/۳	۲۶/۶	۲۶/۶	۴/۹	۱۹/۰	۳۸/۴	۱۸/۴
۲۵-۲۹	۱۹/۹	۱۳/۴	۱۰/۱	۳/۰	۳۷/۵	۵/۶	۳۶/۹	۲۳/۹	۴/۱	۱۸/۱	۲۸/۶	۱۶/۳
۳۰-۳۴	۱۷/۲	۱۰/۰	۱/۰	۱/۲	۴۸/۶	۳/۶	۳۳/۰	۲۳/۰	۲/۲	۱۳/۹	۲۲/۵	۱۴/۲
۳۵-۳۹	۴/۱۴	۸/۴	۶/۲	۱/۵	۵۰/۰	۳/۲	۳۳/۰	۳۳/۰	۲/۱	۱۲/۳	۱۹/۲	۱۱/۸
۴۰-۴۴	۴۰-۴۴	۱۲/۹	۴/۸	۱/۳	۵۰/۵	۲/۵	۲۲/۴	۲۲/۴	۲/۳	۱۰/۵	۱۸/۲	۱۱/۰
۴۵-۴۹	۴۰-۴۴	۷/۲	۴/۱	۱/۳	۴۸/۵	۲/۹	۱۹/۷	۱۹/۷	۱/۸	۸/۸	۱۶/۶	۹/۵
۵۰-۵۴	۹/۹	۷/۶	۳/۹	۱/۳	۴۳/۴	۲/۲	۱۶/۹	۱۶/۹	۲/۶	۷/۱	۱۶/۶	۱۱/۰
۵۵-۵۹	۶/۵	۷/۳	۲/۳	۱/۱	۳۵/۳	۲/۴	۱۶/۹	۱۶/۹	۲/۰	۵/۱	۱۶/۳	۸/۳
۶۰-۶۴	۴/۲	۷/۲	۲/۶	۰/۷	۲۶/۱	۱/۵	۹/۰	۹/۰	۲/۹	۷/۰	۱۱/۲	۴/۷
۶۵-۶۹	۲/۹	۶/۰	۲/۰	۱/۲	۱۴/۹	۱/۷	۴/۸	۴/۸	۱/۸	۲/۸	۱۲/۲	۴/۷
جمع	۱۹/۳	۱۴/۷	۸/۳	۲/۷	۳۳/۵	۴/۳	۲۰/۴	۲۳/۴	۲/۳	۱۵/۵	۲۳/۳	۱۳/۶

۱- استانان: ۱- همدان، ۲- یزد، ۳- کرمان، ۴- کرمانشاه، ۵- کهگیلویه و بویراحمد، ۶- گیلان، ۷- لرستان، ۸- مازندران، ۹- مرکزی، ۱۰- هرمزگان، ۱۱- همدان، ۱۲- یزد، ۱۳- کل کشور

جدول شماره ۲، میزان فعالیت زنان ۱۰ ساله به بالا به تفکیک سن و استان محل سکونت، ۱۳۶۵

استان و پروچستان	سمنان	زنجان	خوزستان	خراسان	چهار محال و بختیاری	تهران	ایلام	اصفهان	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	سن
۶/۱	۲/۵	۲/۰	۱/۴	۱۱/۴	۲/۴	۱/۴	۱/۹	۵/۴	۴/۶	۵/۰	۱۰-۱۲
۷/۹	۷/۶	۴/۹	۳/۹	۱۵/۹	۶/۰	۶/۹	۴/۸	۱۱/۸	۷/۴	۷/۹	۱۵-۱۹
۷/۸	۱۱/۳	۸/۸	۸/۴	۱۲/۳	۹/۰	۱۱/۶	۷/۷	۸/۴	۱۰/۵	۹/۸	۲۰-۲۴
۶/۷	۱۳/۲	۷/۶	۸/۸	۱۰/۶	۷/۷	۱۱/۹	۷/۰	۱۰/۸	۹/۳	۸/۳	۲۵-۲۹
۵/۵	۱۲/۶	۶/۵	۹/۲	۹/۹	۶/۰	۱۳/۹	۶/۲	۱۱/۰	۷/۹	۷/۴	۳۰-۳۴
۳/۹	۸/۰	۴/۷	۵/۹	۸/۷	۲/۶	۱۲/۹	۳/۷	۸/۵	۵/۷	۵/۷	۳۵-۳۹
۴/۰	۵/۰	۳/۳	۳/۳	۶/۸	۳/۱	۱۰/۹	۲/۰	۶/۴	۴/۳	۴/۵	۴۰-۴۴
۲/۶	۲/۵	۲/۲	۲/۲	۵/۹	۲/۵	۶/۵	۲/۲	۴/۶	۳/۳	۳/۷	۴۵-۴۹
۲/۵	۲/۰	۲/۰	۱/۸	۵/۶	۲/۱	۳/۹	۱/۰	۴/۰	۲/۹	۳/۳	۵۰-۵۴
۲/۷	۲/۰	۲/۰	۱/۶	۵/۴	۲/۱	۲/۹	۱/۱	۳/۶	۲/۸	۳/۱	۵۵-۵۹
۲/۹	۱/۹	۲/۱	۱/۵	۵/۱	۲/۰	۲/۴	۰/۷	۳/۸	۲/۸	۳/۲	۶۰-۶۴
۳/۹	۱/۲	۱/۸	۱/۰	۳/۹	۵/۹	۱/۸	۱/۸	۲/۷	۱/۸	۲/۹	۶۵-۶۹
۵/۷	۶/۸	۴/۵	۴/۸	۱۰/۲	۴/۹	۷/۹	۴/۰	۸/۱	۶/۳	۶/۲	جمع
۶/۹	۹/۵	۶/۱	۶/۴	۱۱/۴	۶/۳	۹/۶	۵/۵	۱۰/۰	۷/۸	۷/۶	جمع

کل کشور	یزد	همدان	هرمزگان	مرکزی	مازندران	گلستان	گیلان	کهگیلویه و بویراحمد	کومانشاه	کرمستان	کردستان	سن
۴/۵	۱۲/۳	۲/۲	۳/۱	۲/۹	۵/۱	۱/۹	۸/۹	۵/۷	۱/۶	۶/۵	۲/۴	۱۰-۱۴
۹/۵	۲۰/۸	۴/۹	۴/۹	۶/۹	۱۲/۲	۴/۳	۲۶/۸	۵/۳	۵/۱	۱۶/۱	۳/۵	۱۵-۱۹
۱۲/۱	۱۶/۲	۸/۸	۶/۵	۹/۸	۱۵/۸	۸/۲	۳۵/۱	۶/۸	۹/۳	۱۷/۷	۶/۹	۲۰-۲۴
۱۱/۲	۱۴/۵	۸/۰	۶/۶	۹/۶	۱۴/۴	۷/۶	۳۱/۸	۶/۵	۸/۵	۱۴/۰	۶/۹	۲۵-۲۹
۱۱/۸	۱۶/۷	۷/۲	۶/۳	۸/۰	۱۳/۰	۷/۰	۳۴/۰	۵/۷	۸/۲	۱۳/۲	۵/۶	۳۰-۳۴
۹/۵	۹/۷	۳/۵	۴/۱	۵/۹	۱۲/۳	۴/۶	۳۵/۵	۴/۴	۵/۸	۹/۹	۴/۰	۳۵-۳۹
۷/۸	۶/۲	۳/۵	۲/۸	۳/۰	۱۱/۳	۳/۰	۳۷/۲	۲/۷	۴/۰	۷/۶	۲/۷	۴۰-۴۴
۶/۳	۵/۲	۲/۰	۲/۶	۲/۳	۱۰/۳	۱/۹	۳۸/۲	۲/۸	۲/۵	۵/۸	۱/۸	۴۵-۴۹
۵/۵	۴/۹	۱/۸	۲/۴	۱/۸	۹/۲	۱/۹	۳۷/۱	۴/۵	۲/۰	۴/۹	۱/۸	۵۰-۵۴
۵/۱	۴/۴	۱/۶	۲/۷	۱/۹	۹/۸	۱/۷	۳۳/۰	۲/۴	۱/۸	۴/۶	۱/۷	۵۵-۵۹
۴/۴	۴/۵	۱/۶	۲/۹	۱/۵	۶/۴	۱/۸	۲۶/۵	۲/۰	۱/۸	۴/۳	۱/۴	۶۰-۶۴
۲/۹	۴/۲	۱/۹	۲/۴	۱/۹	۳/۵	۱/۸	۱۲/۵	۲/۱	۱/۵	۳/۷	۱/۷	جمع
۸/۲	۱۱/۹	۴/۶	۴/۵	۵/۳	۱۰/۸	۴/۴	۲۷/۶	۵/۱	۵/۲	۱۰/۷	۳/۹	جمع
۹/۵	۱۴/۵	۶/۳	۵/۴	۵/۲	۱۲/۸	۵/۸	۳۰/۷	۵/۶	۶/۷	۱۳/۶	۵/۱	جمع

* استاندارد شده بر اساس توزیع سنی زنان ساکن در استان مرکزی در ۱۳۶۵

مآخذ: تشریحات سرشماری ۱۳۶۵

گروه سنی ۲۹-۲۵ سال بیشترین میزان فعالیت را در کل کشور دارد. حداکثر میزان فعالیت به تفکیک سن برای استانها، متعلق به زنان ۲۹-۲۵ ساله بوده است. در سرشماریهای گذشته بیشترین میزان برای گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله ثبت شده بود. اهمیت بیشتر گروه سنی بالاتر در آخرین سرشماری تا اندازه زیادی ناشی از کاهش میزانهای فعالیت در گروههای سنی جوانتر در طی سالهای ۵۵ تا ۷۵ می باشد. میزانهای به تفکیک سن در کل کشور در سال ۷۵ حاکی از آن است که در مقایسه با سال ۶۵، میزان فعالیت در اکثر گروههای سنی افزایش یافته است. علی رغم افزایش عمومی، میزانهای فعالیت در گروههای سنی ۱۴-۱۰ و ۱۹-۱۵ ساله کاهش یافته اند. میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ ساله، تقریباً با ۳۳ درصد کاهش، از ۴ درصد در سال ۶۵، به ۳ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته است. کاهش میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ ساله در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ برای اکثر استانها صادق بوده است. بنابراین علی رغم افزایش نسبتاً عمومی میزان فعالیت در گروههای سنی، شروع دیرتر زنان به فعالیت در سال ۷۵ موجب شده است که افزایش میزان فعالیت زنان در فاصله سالهای ۶۵ تا ۷۵ قابل توجه نباشد.

بخش فعالیت

تا اینجا میزان فعالیت در سالهای مورد بررسی با توجه به استان محل سکونت توصیف و تحلیل شد. عوامل مختلف می توانند در شکل گیری روندهای فوق تأثیر داشته باشند. در اینجا ارتباط بخش فعالیت زنان با میزان فعالیت آنها از طریق توصیف و تحلیل توزیع زنان شاغل بر حسب بخش فعالیت مورد ملاحظه قرار می گیرد.

جدول ۴ نشان دهنده توزیع نسبی زنان شاغل ۶۴-۱۵ ساله بر حسب بخش فعالیت به تفکیک استان محل سکونت برای سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ می باشد. همان طور که نشان داده شده است در سال ۵۵ نیمی از شاغلان در بخش صنعت مشغول به کار بودند. از نظر بخش فعالیت، تفاوت قابل ملاحظه ای در بین استانها وجود داشته است. بیشترین درصد شاغلان در بخش کشاورزی به استانهای مازندران، گیلان و آذربایجان غربی تعلق داشته است، در حالی که در بخش صنعت استانهای زنجان، چهارمحال و بختیاری و کردستان بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. بیشترین درصد در بخش خدمات به استانهای خوزستان، ایلام و بوشهر تعلق داشته است. با توجه به میزان فعالیت زنان در سال ۵۵ (جدول ۱) می توان گفت میزانهای بالای فعالیت، بیشتر مربوط به استانهایی است که در آنها شاغلان در بخش کشاورزی و صنعت

بیشتر بودند. در استانهایی که بخشهای کشاورزی و صنعت از رونق کمتری برخوردار بودند، میزان فعالیت زنان نیز پایین تر بوده است.

در سال ۶۵ بخش خدمات بیشترین درصد شاغلان را به خود اختصاص داده بود. شاغلان در بخش کشاورزی نیز نسبت به سال ۵۵ درصد بالاتری را به خود اختصاص دادند. اما درصد شاغلان در بخش صنعت از ۵۰ درصد به ۲۱ درصد کاهش یافت. کاهش اهمیت بخش صنعت در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ می تواند به نابسامانیهای اقتصادی کشور که بر اثر وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به وجود آمده بود نسبت داده شود. کاهش در میزان فعالیت زنان در دوره ۶۵-۵۵ می تواند تا حد قابل توجهی به علت کم رنگ شدن بخش صنعت باشد.

جدول شماره ۲. توزیع نسبی زنان شاغل ۶۲-۱۵ ساله بر حسب بخش فعالیت به تفکیک استان محل سکونت، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

بخش فعالیت (۱۳۵۵)	آذربایجان شرقی		آذربایجان غربی		اصفهان		ایلام		بوشهر		چهارمحال و بختیاری		خراسان		خوزستان		زنجان		سمنان		سیستان و بلوچستان	
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵
کشاورزی	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۷
صنعت	۰/۵۸	۰/۷۲	۰/۲۵	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۷	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۵۸	۰/۵۸	
خدمات	۰/۳۵	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۶۷	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۳۵	
بخش فعالیت فصلی	کشاورزی	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۷	۰/۱۷	
صنعت	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۶۶	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۵۰	
خدمات	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۳۱	۰/۳۱	
بخش فعالیت (۱۳۶۵)	کشاورزی	۰/۸۵	۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶
صنعت	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۴۶
خدمات	۰/۵۱	۰/۵۷	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸
بخش فعالیت	کشاورزی	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲
صنعت	۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۲۱	

سیستان و بلوچستان	سمنان	خوزستان زنجان	خراسان	چهارمحال خراسان	تهران	بوشهر	ایلام	اصفهان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	بخش نسعالت (۱۳۷۵)
۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۸۵	۰/۲۰	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۸۵	کشاورزی
۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۱۱	۰/۴۲	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۳۱	۰/۶۰	۰/۳۶	۰/۲۶	۰/۵۰	صنعت
۰/۷۰	۰/۶۶	۰/۵۲	۰/۷۴	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۷۶	۰/۶۴	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۴۳	۰/۳۵	خدمات
کل کشور	یزد	همدان	هرمزگان	مرکزی	لرستان مازندران	گیلان	کهگیلویه و بویراحمد	کرمانشاه	کرمان	کردستان	قم	بخش فعالیت
۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۳۸	۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۲۷	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۱	کشاورزی
۰/۳۸	۰/۶۸	۰/۴۱	۰/۱۲	۰/۵۹	۰/۲۳	۰/۵۸	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۵۰	۰/۵۰	صنعت
۰/۴۷	۰/۷۸	۰/۵۱	۰/۸۵	۰/۳۹	۰/۷۰	۰/۱۳	۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۶۷	۰/۴۱	۰/۴۸	خدمات

منبع: نشریات سرشماریهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

خراسان	چهارمحال و بختیاری	تهران	شهر	ایلام		اصفهان		آذربایجان غربی		آردبیل	آذربایجان شرقی	تحصیلات ابتدایی
				۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵			
۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۵	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۳۳	۰/۱۹
۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۹
۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۵۷	۰/۳۶	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۴۳
۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۱۶
۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۰۳
۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۰
۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
۲۲	۲۶	۲۲	۱۱	۱۰	۱۸	۱۲	۲۳	۲۸	۲۹	۲۸	۲۹	۲۰

کرمانشاه	کرمان	کردستان	قم	قزوین	سیستان و بلوچستان	سمنان	خوزستان		تهران
							۱۳۶۵	۱۳۷۵	
۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۹	۰/۳۶	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۱۵	۰/۳۱	۰/۱۳	۰/۰۸
۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۴
۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۲۴	۰/۳۱	۰/۵۲	۰/۲۱	۰/۵۷	۰/۶۳
۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۳۴	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۱۸	۰/۲۱
۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۰۱
۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۳
۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
۱۸	۲۰	۲۹	۱۴	۱۹	۱۲	۱۱	۱۸	۲۲	۱۷

در سال ۷۵ حدود نیمی از زنان شاغل در بخش خدمات مشغول به کار بودند. ۳۸ درصد نیز در بخش صنعت و ۱۵ درصد در بخش کشاورزی شاغل بودند. تغییرات قابل توجه در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ برای بخشهای کشاورزی و صنعت اتفاق افتاد. نسبت شاغلان در بخش کشاورزی حدود ۴۴ درصد کاهش و نسبت شاغلان در بخش صنعت حدود ۸۰ درصد افزایش داشته است. افزایش میزان فعالیت زنان در سال ۷۵ در مقایسه با سال ۶۵ می تواند ناشی از افزایش نسبت شاغلان در بخش صنعت باشد. در سال ۷۵ استانهای دارای نسبت شاغلان بیشتر میزان بالاتری از فعالیت زنان را نیز نشان دادند.

همان طور که ملاحظه شد نسبت شاغلان بخشهای مختلف فعالیت در سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ تفاوتهای اساسی دارد. در این میان سهم بخش صنعت در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ کاهش و در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ افزایش یافت. این روند برای بخشهای کشاورزی و خدمات عکس حالت فوق بود. روند کاهشی-افزایش مجدد میزان فعالیت در فاصله سالهای ۷۵-۵۵ می تواند تا حد زیادی ناشی از تغییرات در نسبت افراد در بخشهای مختلف فعالیت باشد. در این میان نقش بخش صنعت برجسته تر از سایر بخشها است. افزایش میزان فعالیت زنان با افزایش نسبت شاغلان در بخش صنعت هم بسته بوده است. بنابراین می توان گفت طی دوره ۷۵-۵۵ رکود و رونق بخش صنعت نقش قابل مؤثری در میزان فعالیت زنان ایرانی داشته است. این نکته را نیز باید به خاطر سپرد که میزان فعالیت زنان در دوره فوق الذکر از سایر عوامل نیز متأثر بوده است. در این میان کاهش میزان فعالیت زنان در گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله عامل مهمی بوده است که نقش آن در ارقام جداول این بخش وجود ندارد، چراکه این ارقام فقط در مورد زنان ۶۴-۱۵ ساله بوده و از این جهت قابل مقایسه با میزانهای فعالیت که برای زنان ۱۰ ساله و بالاتر است نمی باشند.

تحصیلات

جدول ۵ توزیع نسبی زنان شاغل ده ساله به بالا بر حسب میزان تحصیلات به تفکیک استان محل سکومت در سال ۶۵ و ۷۵ را نشان می دهد.* همان طور که مشاهده می شود، در سال ۶۵، در کل کشور ۷۵ درصد با سواد و ۳۵ درصد بی سواد بودند. از کل افراد با سواد بیشترین درصد

مربوط به دارندگان تحصیلات متوسطه بوده است. درکل در حدود ۸۰ درصد از شاغلان با سواد دارای تحصیلات در سطح متوسطه یا کمتر از آن بودند. بیشترین درصد شاغلان بی سواد، به ترتیب به استانهای مازندران، گیلان و خراسان تعلق داشته است. استانهای تهران، سمنان و بوشهر دارای کمترین درصد شاغلان بی سواد بودند. میزان بالای شاغلان بی سواد در استانهای گیلان و مازندران احتمالاً به دلیل وجود شاغلان جوان تر در بخش کشاورزی می باشد. می توان گفت که در سال ۶۵ در استانهایی که میزان فعالیت بالاتری داشتند، در مقایسه با سایر استانها، شاغلان زن از میزان تحصیلات کمتری برخوردار بودند.

در سال ۷۵ تنها ۲۰ درصد از شاغلان زن در کل کشور بی سواد بودند. در مقایسه با سال ۶۵ درصد فوق ۴۰ درصد کاهش نشان می دهد. علاوه بر آن، میزان تحصیلات افراد شاغل نیز در دوره مورد نظر افزایش یافته بود. به عنوان مثال، درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی از ۱۸ درصد در سال ۶۵ به ۲۸ درصد در سال ۷۵ افزایش یافت. افزایش عمومی سطح تحصیلات زنان در دوره مورد نظر و کاهش اهمیت شاغلان در گروههای سنی جوان تر در دوره ۶۵-۷۵ در افزایش تحصیلات شاغلان زن مؤثر بوده اند. افزایش میزان تحصیلات با افزایش میزان فعالیت زنان در دوره ۶۵-۷۵ هماهنگ بوده است، هر چند افزایش میزان فعالیت زنان در طی دوره مورد نظر بیشتر از اینکه متأثر از میزان تحصیلات زنان باشد، از تغییر ساختار اقتصادی کشور (بهبود بخش صنعت) متأثر بوده است. در سال ۷۵ نیز همانند سال ۶۵، شاغلان با سواد در استانهای دارای میزان فعالیت بالاتر، در مقایسه با سایر استانها، از میزان تحصیلات کمتری برخوردار بودند.

مقایسه میزان تحصیلات زنان شاغل در دوره ۶۵-۷۵ نشان می دهد که میزان تحصیلات زنان شاغل در دوره مورد نظر در حال افزایش بوده است. از طرف دیگر ارقام نشان دهنده آن است که شاغلان در استانهای دارای میزان فعالیت بالاتر، در مقایسه با زنان شاغل در سایر استانها، دارای میزان تحصیلات پایین تری بودند. این بدین معنی است که تأثیر تحصیلات زنان در میزان فعالیت آنها از عوامل دیگر متأثر بوده است. هر چند افزایش میزان تحصیلات زنان می توانست موجب افزایش میزان مشارکت آنها در نیروی کار شود، عوامل دیگر نظیر تغییر در سن شروع به کار و اهمیت تفاوت بخشهای فعالیت در سالهای مورد نظر نقش بیشتری را در روند میزان فعالیت ایفا کرده اند.

جدول شماره ۵ توزیع نسبی زمان شاغل ۱۰ ساله به بالا بر حسب میزان تحصیلات به تفکیک استان محل سکونت، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

تحصیلات	خراسان		چهارمحال و بختیاری		تهران		تبریز		ایلام		اصفهان		آذربایجان غربی		اردبیل		آذربایجان شرقی		
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	
ابتدایی	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۱	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۰۸	۰/۲۳	
راهنمایی	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۹	
متوسطه	۰/۲۹	۰/۱۶	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۵۶	۰/۳۶	۰/۴۲	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۴۳	۰/۵۵	۰/۱۸	
عالی	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۲۲	۰/۱۵	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۲۰	
سوادآموزی	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	
نامشخص	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۱	
جمع	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	
درصد بسی سواد	۲۲	۲۶	۲۲	۳۰	۵	۸	۸	۱۱	۱۰	۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۲	۲۳	۳۸	۴۳	۲۹	۲۰

تحصیلات	کرمانشاه		کرمان		کردستان		قم		نارنج		سیستان و بلوچستان		سمنان		خوزستان		
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	
ابتدایی	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۱	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۲۴	۰/۳۱	۰/۱۳	۰/۰۹	
راهنمایی	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۷	
متوسطه	۰/۲۹	۰/۱۶	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۵۶	۰/۳۶	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۵۱	۰/۳۱	۰/۵۲	۰/۲۱	۰/۵۷	۰/۳۸	
عالی	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۲۰	۰/۳۲	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۱۸	۰/۴۱	
سوادآموزی	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۰۳	
نامشخص	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	
جمع	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	
درصد بسی سواد	۱۸	۲۰	۱۶	۳۳	۲۹	۳۳	۲۹	۱۴	۱۹	۲۳	۳۳	۱۲	۱۱	۱۸	۲۲	۱۷	۱۷

همان‌گویی نسبی میزان فعالیت بالاتر با میزان تحصیلات پایین‌تر در سطوح استانی، نشان دهنده آن است که سیستم اقتصادی کشور چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت فقط توانایی جذب شاغلان دارای تحصیلات پایین‌تر را دارا بوده است. عدم گسترش مؤثر بخش خدمات که می‌تواند به جذب افراد دارای تحصیلات بالاتر کمک کند، تا حدودی توقف رشد میزان فعالیت را موجب شده است. با توجه به موارد اشاره شده، مداخله عوامل تأثیرگذار نظیر نوع فعالیت و سن شروع به کار در رابطه بین میزان فعالیت و تحصیلات نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند.

ازدواج و باروری

رابطه بین میزان فعالیت زنان و ازدواج را می‌توان با مقایسه میزان فعالیت و میانگین سن ازدواج مورد بررسی قرار داد. جدول ۶ میزان فعالیت، میانگین سن ازدواج و باروری کل زنان را به تفکیک استان محل سکونت برای سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ نشان می‌دهد. در سالهای مورد نظر، میزان فعالیت ابتدا کاهش و افزایش یافته است. میانگین سن ازدواج زنان در دوره مورد نظر در حال افزایش بوده است، هر چند افزایش شدید آن در دوره ۶۵-۷۵ اتفاق افتاده است. ارقام مربوط به استانها نیز تقریباً چنین حالتی را نمایش می‌دهند. با توجه به این تغییرات می‌توان همبستگی‌هایی را بین تغییرات سه متغیر فوق‌الذکر مشاهده کرد. جدول ۷ ضرایب همبستگی بین متغیرهای میانگین سن ازدواج، باروری کل و میزان فعالیت در سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵ را نشان می‌دهد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود بین میزانهای فعالیت در سالهای مختلف، همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد. نتیجه آنکه استانهای با میزان فعالیت بالا در همه سالهای سرشماری از میزان بالای فعالیت برخوردار بودند. همچنین استانهای دارای میزان فعالیت پایین در سال ۵۵، در سالهای ۶۵ و ۷۵ نیز دارای میزانهای پایین‌تری از فعالیت بودند. رابطه بین میزان فعالیت زنان و میانگین سن ازدواج زنان در سالهای ۵۵ و ۶۵ مستقیم بود. بدین معنی که با افزایش مشارکت زنان در نیروی کار به میانگین سن ازدواج آنها نیز افزوده می‌شد. ضریب همبستگی برای سال ۶۵، رابطه قوی‌تری را نشان می‌دهد. رابطه فوق‌الذکر در سال ۷۵ ضعیف، منفی و فاقد معنی داری آماری است. به عبارت دیگر در سال ۷۵ هیچ رابطه‌ای بین سن ازدواج زنان و میزان مشارکت آنها در نیروی کار مشاهده نمی‌شود. به این دلیل که در سال ۷۵ نسبت به سال ۵۵ یا ۶۵

یکنواختی بیشتری هم از نظر میزان فعالیت و هم از نظر میانگین سن ازدواج زنان در بین استانهای کشور مشاهده می‌شود. از طرف دیگر با افزایش سن شروع فعالیت در فاصله سالهای ۷۵-۵۵، همزمانی شروع فعالیت و ازدواج در سالهای پایانی دوره بیشتر شده است. علاوه بر آن، با کاهش شدید باروری زنان در سال ۷۵ نسبت به سالهای ۵۵ و ۶۵، قدرت بازدارندگی ازدواج در میزان مشارکت زنان در نیروی کار اهمیت کمتری یافته بود. بنابراین با توجه به رابطه منفی خیلی ضعیف بین دو متغیر در سال ۷۵، می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش قابل توجه میزان تحصیلات زنان، میانگین شروع به فعالیت زنان را بیشتر از سن ازدواج به تعویق انداخته بود.

ارتباط بین میزان باروری کل و میزان فعالیت زنان در هر سه دوره منفی بود. با وجود این رابطه منفی تنها برای سال ۶۵ معنی‌دار بود. به عبارت دیگر میزان باروری هیچ تأثیری در میزان فعالیت زنان در سالهای ۵۵ و ۷۵ نداشت. معنی‌دار نبودن رابطه برای سال ۵۵ می‌تواند به این دلیل باشد که عمده زنان در سال ۵۵ در بخش کشاورزی متمرکز بودند و درصد بالایی از زنان با کار کردن در مشاغل مربوط به خانواده و به علت نزدیک بودن محل کار با محل زندگی مسئولیت تربیت فرزندان را نیز به صورت کامل انجام می‌دادند لذا هیچ تعارض نقش آشکاری بین نقش مادر بودن و نقش شاغل در فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشت. به علت تحولات ایجاد شده در کشور در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ وقفه‌هایی در اشتغال زنان ایجاد شد. این وقفه‌ها که به کاهش شدید میزان فعالیت در دوره ۶۵-۵۵ منجر شد زمینه‌هایی را برای حضور بیشتر زنان در خانه و اهمیت نقش تربیت فرزندان ایجاد کرد. کاهش میزان فعالیت در دوره ۶۵-۵۵ به مراتب شدیدتر از افزایش میزان باروری بود. به همین علت رابطه منفی بین دو متغیر در سال ۶۵ معنی‌دار شد. در سال ۷۵ رابطه بین میزان فعالیت و باروری کل اگر چه قوی‌تر از سال ۵۵ بود اما از نظر آماری معنی‌دار نبود. علت آن را می‌توان تا حد زیادی به کاهش شدید باروری در دوره ۶۵-۷۵ نسبت داد. با توجه به افزایش ناچیز میزان فعالیت در فاصله سالهای ۶۵-۷۵ و کاهش شدید باروری در این دوره می‌توان گفت تغییرات در باروری بیش از آن که وابسته به میزان فعالیت زنان باشد به عوامل دیگر وابسته بود. میزان فعالیت پایین زنان ۴۹-۱۵ ساله در سال ۷۵ نیز تا حد زیادی مؤید این امر است. این میزان پایین فعالیت همچنین تفاوت بین تأثیر سن ازدواج زنان و باروری آنان در میزان فعالیت آنان را منعکس می‌کند.

جدول شماره ۶. میزان فعالیت* میانگین سن ازدواج و باروری کل زنان به تفکیک محل استان سکونت، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

میانگین سن ازدواج	باروری کل	میزان فعالیت	میانگین سن ازدواج	باروری کل	میزان فعالیت	میانگین سن ازدواج	باروری کل	میزان فعالیت	استان
۲۱/۳	۲/۱	۱۳	۲۰/۱	۶	۹	۱۹/۴	۶/۷	۹	آذربایجان شرقی
۲۱/۲	۳	۱۰	۲۰/۸	۶/۳	۸	۲۰	۶/۵	۱۸	آذربایجان غربی
۲۱/۲	۳	۱۰	-	-	-	-	-	-	اردبیل
۲۳	۲	۱۵	۱۹/۳	۵/۷	۱۰	۱۸/۷	۵/۸	۱۸	اصفهان
۲۱/۳	۳/۲	۱۱	۱۹/۲	۸/۳	۵	۱۸/۹	۷/۸	۲	ایلام
۲۲/۱	۲/۷	۶	۱۹/۸	۷/۲	۶	۲۰/۱	۶/۷	۳	بوشهر
۲۲/۱	۱/۹	۱۰	۲۰/۵	۴/۶	۱۰	-	-	-	تهران
۲۱/۹	۲/۹	۲۰	۱۹/۱	۸/۱	۶	۱۸/۹	۷/۹	۲۹	چهارمحال و بختیاری
۲۱/۵	۳/۲	۱۵	۱۹/۳	۷/۱	۱۱	۱۹/۴	۶/۶	۱۶	خراسان
۲۱/۲	۲/۲	۷	۲۰	۷/۵	۶	۲۰/۲	۶/۶	۵	خوزستان
۲۲/۱	۲/۸	۹	۱۹/۵	۷/۲	۶	۱۸/۳	۷	۱۵	زنجان
۲۱/۲	۲/۵	۱۱	۲۰/۴	۵/۵	۹	۲۰/۴	۲/۹	۹	سمنان
۲۰/۵	۲/۸	۶	۱۸/۵	۹/۶	۶	۱۸/۴	۷/۸	۶	سیستان و بلوچستان
۲۲/۴	۲/۵	۱۳	۲۰/۱	۶/۸	۹	۱۹/۸	۶/۱	۱۱	فارس
۲۰/۷	۲/۸	۸	-	-	-	-	-	-	قم
۲۱/۷	۳/۳	۱۰	۱۹/۹	۷/۶	۵	۱۹/۹	۷/۱	۱۹	کردستان
۲۲/۹	۳/۱	۱۴	۲۰/۳	۷/۳	۱۴	۲۰/۱	۷	۱۴	کرمان
۲۱/۶	۲/۷	۱۱	۲۰/۵	۶/۶	۷	۱۹/۸	۶/۲	۸	کرمانشاه
۲۱/۷	۳/۳	۹	۱۸/۳	۸/۸	۵	۱۸/۱	۸/۱	۳	کهگیلویه و بویراحمد
۲۲/۴	۲/۱	۳۳	۲۱/۵	۴/۹	۳۳	۲۱/۲	۵/۷	۴۵	گیلان
۲۲/۲	۳/۱	۹	۱۹/۴	۷/۷	۶	۱۸/۴	۷/۳	۵	لرستان
۲۲/۷	۲/۵	۱۸	۲۰/۸	۵/۷	۱۳	۲۰/۳	۵/۸	۲۴	مازندران
۲۲/۱	۲/۴	۱۴	۲۰/۱	۶/۴	۷	۲۰/۱	۶/۴	۱۵	مرکزی
۲۱/۵	۳/۶	۷	۱۸/۸	۷/۷	۵	۱۸/۵	۶/۹	۳	هرمزگان
۲۱/۶	۲/۶	۱۰	۱۹/۲	۷/۱	۶	۱۸/۸	۶/۹	۱۵	همدان
۲۰/۹	۲/۸	۳۳	۱۹/۵	۶/۴	۱۴	۱۹/۵	۵/۵	۳۱	یزد
۲۲/۱	۲/۵	۱۳/۱	۱۹/۷	۶/۲	۱۰/۲	۱۹/۵	۶/۱	۱۵/۳	کل کشور

*. میزان فعالیت برای زنان ۱۵-۴۹ ساله محاسبه شده است. مأخذ: نشریات سرشماری سالهای ۵۵ هـ و ۶۵ و ۷۵ عیاشی نسوزی ۲۰۰۰.

جدول شماره ۷. ضرایب همبستگی، نشان دهنده رابطه بین میزان فعالیت، باروری کل و میانگین سن ازدواج زنان، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

متغیرها	فعالیت ۵۵	فعالیت ۶۵	فعالیت ۷۵	باروری ۵۵	باروری ۶۵	باروری ۷۵	ازدواج ۵۵	ازدواج ۶۵	ازدواج ۷۵
فعالیت ۵۵	-								
فعالیت ۶۵	** ۰/۷۲۱								
فعالیت ۷۵	** ۰/۸۶۲	** ۰/۶۵۶							
باروری ۵۵	-۰/۳۲۰								
باروری ۶۵	*	-۰/۲۶۰							
باروری ۷۵		** ۰/۹۰۰	** ۰/۳۲۷	** ۰/۶۷۸	** ۰/۸۶۴				
ازدواج ۵۵	*								** ۰/۵۴۵
ازدواج ۶۵	** ۰/۵۵۳	** ۰/۷۸۲							
ازدواج ۷۵		-۰/۰۷۶		** ۰/۵۵۹					

*# معنی دار در سطح $p < 0.01$ *# معنی دار در سطح $p < 0.05$

۱. ضرایب بر اساس اطلاعات جدول ۶ محاسبه شده‌اند.

نتیجه گیری

میزان مشارکت زنان در نیروی کار در ایران در فاصله سالهای ۷۵-۵۵ تغییرات قابل توجهی داشته است. این میزان از حدود ۱۵ درصد در سال ۵۵ به حدود ۸ درصد در سال ۶۵ کاهش یافته و سپس با یک روند افزایشی به حدود ۱۱ درصد در سال ۷۵ رسیده است. از نظر استانی، بالاترین میزان فعالیت به استانهای گیلان، یزد و چهارمحال و بختیاری و پایین ترین میزان فعالیت به استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان تعلق داشته اند. این تقسیم بندی تقریباً در تمامی سرشماریها با اندکی تفاوت وجود داشته است. از نظر سنی تغییر قابل توجهی در الگوی سنی فعالیت در سالهای مورد نظر صورت گرفته است. در سال ۵۵ میزان بالای فعالیت برای گروههای سنی جوان تر (۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله) بوده است که از آن میان، گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله بیشترین میزان را به خود اختصاص داده بود. در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ کاهش شدیدی در فعالیت همه گروههای سنی (به ویژه گروههای سنی جوان تر) مشاهده شده است. مثلاً میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ ساله از حدود ۱۳ درصد در سال ۵۵ به کمتر از ۵ درصد در سال ۶۵ کاهش یافت. در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ میزان فعالیت زنان در سنین ۵۴-۲۰ ساله افزایش یافت، هر چند میزان فعالیت زنان ۱۴-۱۰ و ۱۹-۱۵ ساله کاهش بیشتری یافته است. می توان گفت که تغییرات در الگوی سنی فعالیت زنان نقش مهمی را در روند فعالیت زنان در سالهای ۷۵-۵۵ بازی کرده اند. نصف شدن تقریبی میزان فعالیت زنان در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ تا حد زیادی ناشی از کاهش عمومی میزان فعالیت گروههای سنی (به ویژه گروههای سنی جوان تر) بوده است. هر چند افزایش میزان فعالیت زنان میانسال در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ توانست میزان فعالیت را تا حدی افزایش دهد اما ضعیف بودن این افزایش در مقایسه با کاهش دوره ۶۵-۵۵ و کاهش بیشتر فعالیت گروههای سنی ۱۴-۱۰ و ۱۹-۱۵، افزایش میزان فعالیت به سطح سال ۵۵ را مانع شد. از نظر استانی، در استانهای دارای میزان فعالیت بالاتر، میزان فعالیت زنان در گروههای سنی جوان تر، در مقایسه با سایر استانها، بیشتر بوده است. تغییرات در الگوی سنی فعالیت زنان تا حد زیادی حاصل تغییرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. افزایش موقعیت زنان مخصوصاً افزایش میزان تحصیلات آنها سهم عمده ای در افزایش سن شروع به فعالیت داشته است. از طرف دیگر کاهش عمومی میزان فعالیت گروههای سنی در دوره ۶۵-۵۵ می تواند به وقوع انقلاب اسلامی، درگیری کشور در جنگ طولانی و تغییر نگرش

مردم به فعالیت زنان (ناشی از وقوع انقلاب) نسبت داده شود.

از نظر بخش فعالیت تمرکز عمده زنان شاغل در سال ۵۵ در بخش صنعت و در سالهای ۶۵ و ۷۵ در بخش خدمات بوده است. در این دوره از اهمیت بخشهای کشاورزی و صنعت کاسته شد و به اهمیت بخش خدمات افزوده شد. یکی از دلایل افول دو بخش کشاورزی و صنعت را می‌توان سن ورود به فعالیت زنان دانست. بخشهای کشاورزی و صنعت عمدتاً از نیروهای جوان تغذیه می‌شدند، در حالی که بخش خدمات دارای قابلیت جذب نیروهای خیلی جوان نبوده است. از طرف دیگر تغییر در میزان اهمیت برخی از بخشها نظیر بخش صنعت از تغییر اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در کشور متأثر بوده است. اهمیت بیشتر بخش صنعت با افزایش میزان فعالیت زنان هم بسته بوده است. استانهای با شاغلین بیشتر در بخش صنعت از میزان فعالیت بالاتری نیز برخوردار بودند.

از نظر تحصیلات، هر چند در دوره مورد بررسی از درصد شاغلان بی سواد به طور قابل ملاحظه‌ای کاسته شده است، شاغلان با سواد در سال ۷۵ نسبت به هم‌تایان خود در سال ۶۵ از میزان تحصیلات کمتری برخوردار بودند. بدین معنی که اقتصاد کشور فقط توانسته است زنان شاغل دارای میزان تحصیلات نسبتاً پایین‌تر را در خود جای بدهد. با افول بخش کشاورزی و اهمیت یافتن بخش صنعت و خدمات، زنان فقط توانسته‌اند به عنوان شاغلان پایین دست که از میزان تحصیلات پایین‌تری نیز برخوردار بودند جذب بازار کار شوند. افزایش تحصیلات زنان در فاصله سالهای ۷۵-۵۵ هنوز نتوانسته بود آنها را کاملاً برای بخش رو به رونق خدمات (تأحدودی بخش صنعت) آماده سازد. بنابراین پایین بودن میزان تحصیلات زنان شاغل (در زمان فعالیت بیشتر) به صورت دوگانه هم عدم توانایی زنان و هم ضعف سیستم اقتصادی کشور در جذب شاغلان را نمایان می‌سازد.

در مورد متغیرهای جمعیتی، رابطه بین سن ازدواج و میزان فعالیت زنان از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. رابطه مثبت و معنی‌داری بین میزان فعالیت و سن ازدواج در سالهای ۵۵ و ۶۵ وجود داشته است. افزایش سن ازدواج، بالاتر بودن میزان فعالیت را به دنبال داشته است. میزان باروری زنان رابطه نسبتاً معنی‌داری را با میزان فعالیت داشته است، هر چند اهمیت آن نسبت به سن ازدواج کمتر بوده است. افزایش میزان باروری یا کاهش میزان فعالیت هم‌بسته بوده است.

معنی دار بودن ارتباط بین متغیرهای جمعیتی و میزان فعالیت زنان تا اندازه زیادی تابع عوامل دیگر بوده است. معنی دار نبودن رابطه بین میزان باروری و میزان فعالیت در سال ۵۵

می‌تواند به نحوه اشتغال زنان در آن سال مرتبط باشد. درصد قابل توجهی از فعالان اقتصادی در سال ۵۵ را زنان جوان تر (احتمالاً ازدواج نکرده) تشکیل می‌دادند. معنی دار بودن این رابطه برای سال ۶۵ از تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور در دوره ۶۵-۵۵ ناشی می‌شود که تأثیر مثبتی را بر نقش مادری و تأثیر منفی را بر نقش شاغل اقتصادی اعمال کرده بود. معنی دار نبودن رابطه فوق برای سال ۷۵ تا حد زیادی به علت کاهش همگانی و شدید باروری در دوره ۷۵-۶۵ می‌باشد. کاهشی که میزان بسیار پایین مشارکت زنان در نیروی کار در ایران، نقش قابل توجهی در آن نداشت. اهمیت سن ازدواج در ارتباط با میزان فعالیت در سالهای ۵۵ و ۶۵ تا حد زیادی به الگوی سنی فعالیت زنان مرتبط بوده است. در زمانی که فعالیت زنان از سنین خیلی کم شروع می‌شود و تفاوت بین سن شروع به کار و سن ازدواج تقریباً بالاتر است، اهمیت سن ازدواج بیشتر می‌شود. بنابراین رابطه بین متغیرهای جمعیتی و میزان فعالیت زنان باید با در نظر گرفتن عوامل دیگر نظیر الگوی سنی فعالیت، نوع فعالیت و تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی شود.

تحولات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در کشور در دوره ۷۵-۵۵ نقش عمده‌ای را در میزان فعالیت زنان بازی کرده است. ارتقاء موقعیت زنان عمدتاً از طریق افزایش میزان تحصیلات، تأثیرات مهمتری داشته است. درصد باسوادی زنان ۶ ساله از ۵۵ سال ۷۵ بیشتر از دو برابر شده است. این افزایش تحصیلات که به نوبه خود بر آگاهی خانواده‌ها و زنان اثر گذار بود سطح و روند فعالیت زنان را به صورت عمده‌ای تحت تأثیر قرار داده است. کاهش میزان فعالیت زنان در گروههای سنی جوان تر (به خصوص ۱۴-۱۰ و ۱۹-۱۵ ساله) در دوره مورد بررسی که موجب تغییر قابل ملاحظه الگوی سنی فعالیت شده است، به صورت شدیدی متأثر از میزان تحصیلات زنان بوده است. افزایش تحصیلات نه تنها موجب افزایش سن فعالیت شده است بلکه توانسته است زنان را از نظر مهارتهای شغلی و اجتماعی قوی تر سازد. تحول سیستم اقتصادی کشور، از طرف دیگر، وضعیت فعالیت زنان را تحت تأثیر قرار داده است. کم اهمیت شدن بخش کشاورزی، بسیاری از زنان را از حوزه فعالیت بیرون رانده است. هجوم به شهرها و گسترش شهرنشینی در تشدید این وضعیت نیز مؤثر بوده است. با کم اهمیت شدن بخش کشاورزی، توسعه بخشهای دیگر فعالیت (صنعت و خدمات) طوری نبوده است که بتواند شاغلان زن بیشتری را در خود جذب کنند. این عدم توانایی تا حدودی به علت عدم تطابق تواناییهای مهارتی زنان با نیازهای بخشهای مختلف اقتصادی بوده است. تأثیر عوامل فرهنگی نظیر نگرش مردم نسبت به فعالیت زنان در خارج از خانه، به عنوان یک عامل، تأثیر قابل

ملاحظه‌ای را بر میزان فعالیت زنان اعمال کرده است.

وجود نگرشهای منفی نسبت به کار زنان در اوایل انقلاب، از عوامل کاهش میزان فعالیت زنان محسوب می‌شود. این نگرشها موجب شدند تا بسیاری از زنان رغبتی برای شروع و ادامه فعالیت در خارج از خانه نداشته باشند. تأثیر منفی این نگرشها بر فعالیت زنان همچنین موجب افزایش وقوع رفتارهایی شد که نتیجه آن حضور در خانه و عدم فعالیت در بیرون از خانه بود. افزایش میزان باروری در دوره ۶۵-۵۵ نمونه‌ای از این تغییر رفتارها است.

هر چند میزان فعالیت زنان در ایران در حد خیلی پایین قرار دارد، به نظر می‌رسد در آینده میزان فعالیت زنان افزایش یابد. عوامل چندی در این خوشبینی دخیل هستند. اولاً، میزان تحصیلات زنان افزایش یافته است. بنابراین، زنان ممکن است انگیزه بیشتری را برای کسب مهارت‌های شغلی بالاتر از خود نشان بدهند. ثالثاً، گسترش بخش خدمات، ناشی از توسعه اقتصادی کشور، احتمالاً بتواند زنان بیشتری را در بازار کار جذب کند. ثانیاً، کاهش باروری و مثبت‌تر شدن نگرش عمومی نسبت به کار زنان در خارج از خانه به ضعیف‌تر شدن عوامل مختل‌کننده مشارکت زنان در نیروی کار منجر خواهد شد. در کل می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضور قدرتمند زنان ایرانی در بازار کار به بهبود قابل توجه موقعیت آنها وابسته است.

مآخذ

- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۰) «برخی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
- افشاری، زهرا و شیبانی، ابراهیم (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱.
- امین زاده، فرخ (۱۳۵۸) جمعیت‌شناسی کار (منابع انسانی در توسعه)، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: انتشارات سمت.
- جارااللهی، عدرا (۱۳۷۴) «اثرات اشتغال زنان کارگر بر میزان باروری آنان»، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، جلد دوم، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- چنگیزی، مهرانگیز (۱۳۷۴) «تحولات اشتغال زنان در دو بخش صنعت و خدمات براساس داده‌های سرشماری ۶۵-۱۳۵۵»، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، جلد اول، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- رجیبی، ماهرخ (۱۳۷۴) «تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی ۶۵-۱۳۴۵»، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، جلد اول، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۰) «وضعیت اشتغال زنان در ایران با تکیه بر اشتغال فارغ التحصیلان مدارس حرفه‌ای دختران در شهر تهران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) زنان در بازار کار ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

○ Abbasi-Shavazi, M.J. (2000) "Effects of Marital Fertility and Nuptiality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996", Working Papers in Demography, Canberra: Australian National University.

○ Aghajanian, Akbar (1992) "Status of Women in Iran", *Journal of*

Copmarative Family Studies, Vol. 23, No. 3.

- Podhisita, Chai, et al (1990) "Women's Work and Family Size in Rural Thailand", *Asia- Pacific Population Journal*, Vol. 5, No. 2.
- Ware, Helen (1981) *Women, Demograghy and Development*, Canberra: Australian National University.
- Hardec, Karen, et al (1999) "Family Planning, Work and Women's Economic and Social Autonomy in Indonesia", *Asia- Pacific Population Journal*, Vol. 14, No. 3.